امروز باسعدى

هزار مؤمــن مخلــص درافكنى بــه عقاب بدین صفت که تو دل میبری ورای حجاب کنــون که شــهر گرفتــی روا مــدار خراب چومـوى تافتــىاى نيكبخــتروى متاب که حــال تشــنه نمیدانی ای گل ســیراب وگـربريـزدكتانچــهغمخــوردمهتاب کــه بــا شــکر دهنان خوش بــود ســؤال و

یک خبر | یک نگاہ

اگـر تـوبرفکنــیدر میـان شــهر نقـاب کــه را مجــال نظــر بــر جمــال ميمونــت درون مــاز تــو يــک دم نمی شــود خالــی بــه مــوى تافتــه پـاى دلــم فروبســتى تـوراحكايتمـامختصـر به گـوش آيد اگـر چــراغ بميــرد صبــا چــه غــم دارد دعات گفتم و دشــنام اگر دهی سهلســت



چالش های کمپین «سیر کنه!»

از حیوان آزاری در سیر کها اقدام کرده و با تصویب قوانینی،مانع استفادهاز حیوانات در سیر کهاشوند و اعطای مجوز ســـازمان محیط زیست به سیر ک هَای دارای حَیُوان مقَدِمَهٔ ی شده است برای اینکه مسئولان اولین سیر ک بدون حیوان کشور که حدود سه ماه پیش با عنوان «سیر ک پرشین» در اصفهان افتتاح شده بود، امروز مجبور به برگزاری سیرک حیوانات شوند! و عدم حمایت باعث شد تا سیرک پرشین مجددا به استفاده از حیوانات روی بیاورد، لذا ما همکاری خود را با این سیرک خاتمه داده وبا سیرک «ستاره ایرانیان»با کمک مسئولان دهکده زاینده رود در شهر ساحلی چادگان مجددا آغاز به کار کردیم.» کمپین «سیرک نه!» حالانه تنها پایش را از دروازه های اصفهان بیرون نگذاشته، بلكه در أن شهر هم به دليل عدم حمايت هاي لازم دچار مشـکلات بسیاری شده اسـت. مشکلات ه پر دست اندازهایی که می تواند موجب دلسردی و ناراحتی بسیار فعالان محیط زیست و دوستدار حمايتاز حقوق حيوانات رافراهم آورد.

برش

شاتر

بهمن ماہ ســال گذشتہ ہود کہ ســـیر ک بدون کمپین «سیرک نه!» تاس کمپین «سیرک نه!» تاسیس شد هدفشان هم معرفی و ترویج روش جایگزین حیوان آزاری ک ها بود و جایگزین حیوان هـ...م در این در سـ سیرک، فعالیت های مهارت محور نظیر آکروبات، آتش بازی، نمایـش های دلهـره آور، تقلید صدا، شـلاق زنی، تک چرخ سـواری، شـعبده بازی و بندبـازی پیش بینی شـده بود. حالا امــا اعطای مجوز سيرك حيوانات توسط سازمان محيط ن عاما . مناقشه شــده اســت. ، طوری که ر. بهداد سلطانیان مدیر سیرک بدون حیوانات در اعتراض به این حرکت ســازمان محیط زیست به مهر گفته است: «از آنجا که سازمان محیط زیست وظيفه اصليى خودرادر حمايت از حيات وحش به درستی انجام نمی دهد، از نمایندگان مجلس و به ویژه کمیسیون اجتماعی درخواست دارم به احترام فتواى مراجع تقليد، در خصوص جلو گيرى

12 1

(Ö) 🔺

خستگیپسازمبارزهزندگی

ميچ آلبوم دربهشت پنجنفر منتظر شماهستند



گیلانسبزوفصلبرداشتچای

سختکوشی مردان وزنانی که باقامت خمیده در مراتع سرسبز گیلان چای می چینند به آدمهادر شهرهای بزرگ وصنعتی، پشت میز کارشان با یک استکان چای خستگی در کنند .







Tarheno@shahrvand-newspaper.ir | سال سوم | شماره ۵۸۰ | ارتباط با گروه طرح نو: Tarheno@shahrvand-newspaper.ir

ـت که اگر انبوهی از کسانی که تنها از آگاهی ییست نداد ارابوهی از نسانی که نهاار ا نامی برخوردار هستند و دست به گردآوری هایی مامروز حیات پویایی و کارآمدی یک اندیشه در یک جامعه به تولیدفکر و پژوهش است. از زمانی که ما صحب دانشگاه شدیم، تاکنون

نتوانسته ایم قصد و مقصود اصلی دانشگاه را دریابیم و همچنـان درحال تالیـف و گردآوری هسـتیم و نتوانستهایم بیرون از ایسن تالیف بایستیم و نگاه کنیم که به چه چیــزی نیازمندیم و چه باید ما هنوز در ســت نمی دانیم به چه اندیشــه یا فکری بايد بها بدهيم يا براى آن، زمان بگذاريم. بنابراين، حجم دانشجو و دانشكاه اهميتي ندارد. چرا ایـران هنّـوز نمی تواند با این حجم دانشـجو و اساتید، اندیشـهای تولید کند که حتی یکی از آنها در دنیا در حال تدریس باشد؟ ما نه دانشجو و استاد و متفکـر کم داریم و نــه تعداد کتابهــا، مقالات و پژوهش هایمان کم اســت.اما همـه این پژوهش ها و کتابها، تنها و تنها، تالیف هستند و نه تفکر. وقتی نگاه میکنیم به سال ۱۹۶۳، متفکری تنها در د وصفحه، نظریه توجیبه را در باب معرفت دگرگون کــرد.این به معنای آن است که لزوما مــا در تفکر نباید با حجم انبوهی از گردآوری روبهرو باشیم.

در شیهر است. کیفیتی کیه ماحصل ذهب

. مجســـمەھای شھر ی، صرفا شـــمایل یک انسان

یا بازافرینی شده یک ریخت آشینا نیستند، آنها میتوانند در صورت و ظاهر اشیکال غریبی به خود

ی ر گرفته باشــند، آنها به نوعی بازنمایی وضع موجود در شهر را به عهده دارند. تماشاگران خود را به تفکر

و اندیشــَیدن، پیراموُن شــکل خُود وادار میکنند. آنها هستند تا شما بهشان فکر کنید.

یں اہ نیست اشارہ کنم کے اگر برخورد یا

یی(ه نیست انشاره نشم شم که از برجورد با مجسمهای شهری، غیر حوفهای باشد، می توانند اثر عکس داشته باشند. حتی می توانند مخاطبان بی شسمار خود را نا امید کنند. متولیان امر شیاید کمترین کاری که از دستشان در این حوزه ساخته است. سیردن کار به کاردان باشند. مجسمههای

شـهری را صرفا باید یـک هنرمند خبـره در این رشــته، خلق و در محل مناسب نصب کند. اگر این

ر کیفیت در کار محقق نشود، مجسمه های شهری می توانند اجسامی ملال انگیز باشند. تقصیری هم ندارند، وقوع آنها از آغاز وابسته به نهایت کیفیت بوده و هر گونه قصور در خلق آنها تولید یک رخداد

ما بیندازند، زندگی صرفا همیــن رفتوآمد هر

روزه نیست؛ گاهی باید ماند و تامل کرد. اندیشید و شـرایط و محیط را جور دیگری نــگاه کرد. آنها

هستند تا هنر را در شهر و از دل شهر به ما بنمایند.

ــمەھای شهری هســـتند تا یاد

ناهنجار بصري مي كند.

به هر روی مع

یکھنرمند است.

باز میمانیم و تنها، آن مقداری که نیاز داریم را شـکل میدهیم. جامعهای که به فکـر بها ندهد، تفکـر در آن بیبهـا میشـود. جامعه مـا هنوز و آن، این است که غربیها، دایما در حال بازخوانی گذشته خودشان هستند. این بخشی از تفکری است که در غرب وجود دارد. ما سه این دلیل که نتوانسته به اهمیت تفکر در دوره جدید، پی ببرد. راهُش این است که به تَفکّر، قَدَر بدهی دست به بازخوانی گذشته نمیزنیم، حجم تفکر و اندیشــهورزیمان اندک اسـت. ما رابطهمان را دلایل نادرست، کسانی که روزها، ماهها و سالها

تــلاش و پژوهــش میکنند و عمر خود را صرف شکل دادن اندیشــهای میکنند، بیقدر اززمانی کهماصاحب دانشگاهشدیم،تاکنون . لى ي ... بدانيم. قويما معتقدم كه غرب، نتوانسته ایمقصدومقصود اصلی دانشگاه را دریابیم به اندیشـه و تفکر بهـا داد و هر فکـری کـه امـروز تولید وهمچناندرحال تاليف وگردآوریهستیمو می شود، ناشی از اُهمیت و جایگاهی است که آنها به تفکر نتوانسته یمبیرون ازاین تالیف بایستیمونگاه کنیم که بەچەچىزىنيازمنديموچە دادند. ما هم اگر می خواهیم دست به تولید تفکر بزنیم، بايدبكنيم ماهنوزدرس دست به تولید تفکـر بزنیم، چارهای نداریم جز این که این نمى دانيم به چه انديشه يا فکریبایدبهابدهیمیابرای آن،زمانبگذاریم

بشــه و دیدگاه در ما شکل . بگیرد زیرا ارزش تفکر مساوی است با زنده ماندن جامعه.

باًی جدیند نیناز بنه تفکـر دارد. دوره جدید دیگر ماننــد دنیای قدیم

مجسمههای شهری و رهایی از ملال

فراهم کرده تا کیفیــت هنر خــود را از گالریها و کراهم کرده با میشد به صور در از مرکز کرد. کتابها بیرون بکشد و در شبهر هم ظاهر شبود. در شبهر ظاهر شدن یک اثر هنری مدرن، تولید وضُعيتي نُـابَ و دَكَر گُونَ مِي كُند. بُرِخور دُ ش ايسن وضعيت، بــه خودى خود مى توانــد معادلات ب الروانية من المراوزة را به هم بزند. مي توانيد نسبت به آنها حس تنفر يا حتى خشم هم داشته باشـيد، اما الزامـا قرار نيسـت از آنهـا خوش تان بيايـد. اصـلا حضورشـان بـراى خوش آمـدن نیست، حضور شان برای وقوع یک وضع متفاوت



دلیل، به تدریــج از ورطه تولید فکــر و تولید علم



نجات ميدهــد. از طرفي هنر مــدرن اين امكان را



با گذشته قطع کردهایم. فکر مســالهای نیســت که دایما از

بینه سروع سود. علوم انسانی موجود، محصول عقــل جمعــی بشـر اسـت. ما نمی توانیم از صفر شــروع کنیم و بـه بهانههای مختلف، تمام

علومانسانی موجـود را کنــار بزنیــم. بنابرایــن، مــا نیازمند

بازخوانی هــای مکن هســتیم

بهـای جـدی داده نمیشـود.

. به عمر یک اســـتاد، یا دانشــ

. يــا محققان ما، كــه بايد ثمرات

آن در خدمـت جامعــه قــرار

د، بها نمیدهیم. به ه

ی فانه امروزه به تولید فکر،

ابتدا شروع شود.

فرهاد خاکیاندهکردی هر روز صبح بیدار شـدن، عجله کردن، صبحانه را در راه یا محل کار خوردن، کیف سـنگین را توی ر کررا یا بیان کر کرون بی مصنین را کری اتوبوس و تاکستی یا توی مترو به دوش کشیدن و بعد سر ساعت، کمی هم با تأخیر شاید، ورودت را بالاخره ثبت میکنی. باید تا عصر بمانی، آن قدر که دیگر رمقی نمانده باشد.

همین در معنی مهنده بنسد. همین در عصر بی رمق شــدن حرف من است. تو راننده تاکسی، پزشک، کاسـب یا هر کس دیگری آنها بی با با خره روزت را شـب می کنی. در این ین آنها در کنارت هســتند؛ مجسمههای شهری را می گویم. کنارت هستند تا برای لحظهای تو را از کلافگی و ملال بیرون بکشند. توجهت را جلب ار در حربتی و حرن بیرون بنست و بهتار میکند رو بیند کنند، گوشاه حواس مال خود کردن، یعنی مجسمه های شهری قادرند تکرار و کلافگی را قدری مهار کنند. ، محیط اطراف بــر روان آدمی تاثیری مســـتقیم دارد، ســاختمان ها، ریخت خیابان هــا و کوچهها، تندیس هایی که در میدان های شهر نصب می شوند، همه و همه را هر روز می بینیم تا ، یگر از فرط تکرار به چشرم نیایند. اما حضور آشار هنری در بطن شـهر تفـاوت میکنـد، آنها بهراحتی دُچار تکرار نمیشُوند، هربار، هر کسی با هرحالی که از کنارشان عبور کند، نسبت به آنها

، مناوتی در پیش بگیریسم. گاهی وقتها، تلقی ما

ین است که اگر از دیگران، امری را اقتباس کنیم، ین بخشی از تفکر است، خیر! این تنها، بخشی از

ر روی محققان، بسـیاری از دانشـجویان، اسـاتید و محققان، مقاله و کتاب مینویسند، اما تولید فکر نمی کنند.

ما درحال حاضر در ایران، شـاید بسـیار بیشتر از کشـورهای پیشـرو، حجم تولید مقاله داریم؛ اما

حجم توليد فكر نداريم. ما گمان مي كنيم كه

رً" ـد کتاب و مقالــه کردیم، آن را م

با تفکر میدانیم. این، تولید علم و تفکر نیست. تفکر یعنی بتـوان یک نظریـه را در یک موضوع یا مسـالهای، در یک جامعه به گونهای شکل داد

که سبب تغییر بنیادین و دگر گونی اساسی شود یعنی منتج به یک نتیجه متفاوت نسبت به وضع

2

گردآوری است. این تفکر نیست.

واکنشنی ویتره از خود نستان میدهند. میین کار در انستان تولیند سرخوشنی میکنند. وقتی به خانبه برمی گردد این امکان هست که بپرسد: «راستی شـماهـم آن مجسـمه را دیدهایـد؟... مثـل این کـه میخنـدد.» و اوج

شـــما می توانیـــد به مجســمه ها دقیق شــوید و همین در معرض هنر بودن، روان تـان را از ملال